

حکمت

دعای سی و پنجم صحیفه سجادیه
امام سجاد (ع)

بارالها بر محمد و آلش درود فرست و مرا به قضایت دلخوش کن و سینه‌ام را به موارد حکمت گشاده فرما و به من اطمینان ده که به سبب آن اقرار کنم که قضای تو جز به آنچه خیر است، روان نشده و شکرم را بر آنچه از من باز داشته‌ای افزون تر از شکرم بر آنچه به من عنایت کردی قرار ده

یادداشت شفاهی

وحید رجب‌لو

روزنامه‌نگار

این شهر برای ما نیست!

شهری که مناسب نیست از لحاظ بار اقتصادی و روانی می‌تواند بخشی از جمعیت يك جامعه را تخریب کند. این موضوع منحصر به همین جانیست و به بخش‌های دیگر جامعه هم سرایت می‌کند.

مشکل بعدی قوانینی است که پشت در وزارتخانه‌ها و شهرداری‌ها می‌ماند و سال‌ها خاک می‌خورد و تایید و اجرا نمی‌شود. من بارها دیده‌ام ناظر خیلی سرسری بارشوه یا هر چیزی پایان کار ساختمان را می‌دهد و این حق معلولان را ضایع می‌کند. هیچ کمیته‌ای تشکیل نشده که خود معلولان بتوانند آن را مدیریت کنند و قوانین دست جامعه معلولان باشد. پیشنهادم این است که خود بهزیستی وارد عمل شود و شهرداری، کمیته‌ای تشکیل بدهد و از افراد دارای معلولیت پیشنهاد بگیرد و ناظران هم افراد دارای معلولیت باشند. در قوانین اجرایی در رشته‌های مناسب‌سازی بسیار سفت و سخت عمل کنند و جریمه‌های سنگین بگذارند. به طور مثال جای پارک ویژه معلولان، بارها می‌بینیم که ماشین‌های عادی پارک کردند و اصلاً هیچ توجهی نمی‌شود و تازه فرد معلول باید تماس بگیرد و اعتراض کند تا ماشین را ببرند. تنها راه این مساله اعتراض خود معلولان است. مصاحبه بیشتر افراد معلول با خبرگزاری‌ها و مطبوعات می‌تواند راهگشا باشد. در واقع خود معلولان هستند که باید صدای شان را آتقدر بلند کنند تا به گوش مسوولان برسد که این مسائل حل شود. بارها برایم پیش آمده فقط به خاطر این که مسیر مناسب نبوده از سفر و تردد در شهر منصرف شدم. اتفاق‌های ناگواری هم افتاده. مثلاً آمدند کمک کنند و چندین پله من را ببرند بالا اما پایشان سر خورده و من از آن بالا پرت شدم پایین. اتفاق‌های خطرناک دیگری هم هست. چاله‌هایی که وجود دارد و پارک‌هایی که اصلاً مناسب نیست. اینها

همان طور که می‌دانید در ایران ۹۹/۹ درصد ساختمان‌ها و معابر، پارک‌ها و مکان‌های عمومی برای رفت‌وآمد افراد دارای معلولیت نامناسب است و این اتفاق فقط به قشر معلولان ضرر نمی‌رساند بلکه به کل جامعه آسیب می‌زند. حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد افراد کشورمان دارای معلولیت هستند. حالا این معلولیت می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد: جسمی، حرکتی، نابینایی، ناشنوایی، مصدومانی که تصادف کردند، افرادی که در دفاع مقدس جانباز شدند یا افراد سالمند و پدربزرگ و مادربزرگی که در خیلی از خانه‌ها حضور دارند. پس وقتی شهرمان برای رفت‌وآمد مناسب نباشد، اولین آسیب برای خود جامعه است. از طرفی ما افراد دارای معلولیتی داریم که بسیار خلاق‌اند و توانایی ذهنی بالایی دارند. اینها به خاطر این که يك یا چند ارگان بدن‌شان کارایی کاملی ندارد، در سایر ارگان‌های بدن کارایی و انرژی دوجندانی داشته و ذهن‌های قوی‌تری هم دارند. این يك تحقیق علمی است که افراد معلول می‌توانند باهوش‌تر از افراد عادی باشند. اما به خاطر این که شهرمان مناسب‌سازی نشده آنها اصلاً نمی‌توانند از منازل شان بیرون بیایند و به نوعی در بستوی خودشان زندانی می‌شوند. همین اتفاق باعث می‌شود افسردگی بگیرند و خود و خانواده‌شان آسیب‌های روحی ببینند.

نکته دیگر این که از تحصیل محروم می‌مانند و نمی‌توانند مهارت‌های آموزشی و کسب‌وکار را به دست بیاورند و برای دیگران مفید باشند و به نوعی دست‌وپاگیر می‌شوند برای خانواده. خانواده‌های این افراد هم نمی‌توانند تفریح و سفر بروند و این باعث آسیب روحی به آن خانواده می‌شود. چون هیچ پدر و مادر و خانواده‌ای حاضر نیست به تنهایی سفر برود و عزیزش در خانه بماند. من به عنوان فرد دارای معلولیت که همه اینها را تجربه کردم می‌دانم



وحید رجب‌لو متولد ۱۳۶۶ است. یکی از معروف‌ترین و موفق‌ترین معلولان ایرانی که به نوعی صدای معلولان کشور شده. رجب‌لو که در این یادداشت از مشکلات صحبت کرده، برای رفع نیازهای معلولین جامعه هم کارهای زیادی انجام داده. او بنیانگذار استارت‌آپ توانیتو است. استارت‌آپی که برای حل مشکلات معلولین ساخته شده. کمیته غیرانتفاعی بین‌المللی جوانان جهان او را به عنوان یکی از ده جوان تاثیرگذار سال ۲۰۰۰ میلادی انتخاب کرده است.

می‌تواند به راحتی حل شود. نکته بعدی این که من فکر می‌کنم باید مشاوران و روان‌شناسانی در این حوزه داشته باشیم که افراد را با این نکات آشنا کنند. صدا و سیما می‌تواند خیلی ذهن افراد را آماده کند برای این که هر کسی خانه خود و محل کارش را مناسب کند. اصلاً شاید روزی برای مدیر جایی حادثه‌ای اتفاق افتاد و مجبور شد با ویلچر تردد کند و خب آن وقت است که می‌فهمد چه کاری را انجام نداده و چه نیازی را رفع نکرده.

تجربه‌ای از یک کارآفرین

«بر اثر يك تب شدید و بیماری پاهایم قدرت کافی برای حرکت را از دست داده بود. هر روز این تفاوت با همسالان برایم بیشتر مشهود می‌شد و دوست داشتم پا به پای بچه‌ها از بازی‌های کودکانه برخوردار شوم. مادرم از این وضع خشنود نبود و این را از چشمانش می‌خواندم. اگرچه آن موقع خبری از مشاور و روان‌شناس نبود و از او انتظار برخورد صحیح و منطقی با نقص جسمانی فرزندش نمی‌رفت، ولی مادرم با درایت ذاتی و خدادادی باعث شد مسیر زندگی من جهت صحیح و عاقلانه‌ای را بیابد. مسیری که شاید اولین جرقه‌های مثبت زندگی را برایم رقم زد. مادرم گوشه‌ای نشست و از پارچه‌های ساتنی که در خانه بود يك شتل دوخت. هیچ وقت فراموش نمی‌کنم، روزی لباسی بر تن من نمود که شبیه لباس پادشاهان بود و مرا روی صندلی در کوچه نشاند و گفت: «سهم تو دویدن و راه رفتن نیست، سهم تو فرمان دادن به بچه‌هاست. توبه آنها بگو چگونه بازی کنند.» آن لحظه احساس خوبی داشتم و آرام شده بودم.

بخشی از مصاحبه سید محمد موسوی مدیر عامل شرکت فیروز کارآفرین موفق که با توجه به تجربه معلولیت خودش برای معلولان زیادی فرصت شغلی فراهم کرد. اکثر کارکنان شرکت فیروز را معلولان تشکیل می‌دهند.



اکثر کارکنان شرکت فیروز را معلولان تشکیل می‌دهند / عکس: نسیم